



نقد + کتاب

نوجوانی، جنگ و رؤیاهای پنهان

گفت‌وگو با مرضیه نفری

نویسنده کتاب «شب‌های بی‌ستاره»

«شب‌های بی‌ستاره» بخشی از دغدغه‌ها، ترس‌ها، امیدها و آرزوهای نوجوانان دهه شصت را روایت می‌کند؛ دغدغه‌هایی که با وجود گذشت سال‌ها، هنوز در زندگی بسیاری از نوجوانان امروز دیده می‌شود. این رمان، داستان زندگی دختری نوجوان به نام ستاره است که در میان دشواری‌های خانوادگی و اجتماعی، تلاش می‌کند هویت خود را پیدا کند و برای آینده‌اش بجنگد.

چه شد که «شب‌های بی‌ستاره» را نوشتید؟

زمانی که نگارش این رمان را شروع کردم، در اطرافم دختران نوجوان زیادی حضور داشتند؛ از دختر خودم که در آستانه ورود به نوجوانی بود تا خواهرزاده‌ها و نوجوانانی که در محیط کار و فعالیت‌های فرهنگی با آن‌ها در ارتباط بودم. دیدن دغدغه‌ها، نگرانی‌ها، آرزوها و تغییرات روحی

این نسل باعث شد بیش از پیش به دنیای نوجوانی فکر کنم. از سوی دیگر، خودم نیز هنوز خاطرات نوجوانی را با وضوح زیادی به یاد داشتم. احساسات آن دوران، پرسش‌های بی‌پاسخ، نیاز به دیده شدن و تلاش برای اثبات خود، چیزهایی بودند که هنوز در ذهنم زنده بودند. به همین دلیل نوشتن این رمان برای من فقط خلق یک شخصیت نبود، بلکه بازگشت به بخشی از خاطرات و تجربه‌های نسلی بود که در شرایط خاصی رشد کردند.

چرا ستاره را یک نوجوان مقاوم و پرتلاش به تصویر کشیدید؟

برای شناخت ستاره باید شرایط زمانی و اجتماعی زندگی او را در نظر گرفت. او در دهه شصت زندگی می‌کند؛ دورانی که بسیاری از خانواده‌ها با مشکلات اقتصادی،

پیامدهای جنگ، کمبود امکانات و گاهی محدودیت‌های فرهنگی مواجه بودند. در چنین شرایطی، کودکان و نوجوانان ناچار بودند زودتر از سن خود مسئولیت‌پذیر شوند و با دشواری‌های بیشتری کنار بیایند. ستاره با کمبود محبت، سوءتفاهم‌ها و تبعیض‌هایی مواجه می‌شود، اما تلاش می‌کند تسلیم نشود. دوست داشتم شخصیتی خلق کنم که در عین آسیب‌پذیری، قدرت ایستادگی داشته باشد. او بارها دچار تردید، ناراحتی و سرخوردگی می‌شود، اما ویژگی مهمش این است که دوباره برمی‌خیزد. فکر می‌کنم این همان چیزی است که آدم در نوجوانی نیز به آن نیاز دارد؛ اینکه بدانیم سختی‌ها بخشی از مسیر زندگی هستند و پایان راه محسوب نمی‌شوند.

چرا فضای داستان را به سال‌های جنگ تحمیلی اول بُردید؟

من از ابتدا تصمیم نداشتم جنگ به یکی از عناصر اصلی داستان تبدیل شود. هدفم روایت زندگی یک دختر نوجوان بود؛ دختری که با مسائل خانوادگی، احساسات، دوستی‌ها، آرزوها و دغدغه‌های سن بلوغ روبه‌روست؛ اما وقتی داستان در دهه ۶۰ روایت می‌شود، نمی‌توان جنگ را نادیده گرفت. جنگ تحمیلی واقعیتی بود که بر زندگی میلیون‌ها نفر سایه انداخته بود و حتی کسانی که در خط مقدم حضور نداشتند به‌نوعی تحت‌تأثیر آن قرار می‌گرفتند. جنگ وارد خانه‌ها شده بود، بر اقتصاد خانواده‌ها اثر می‌گذاشت و حتی بر نوع نگاه مردم به آینده تأثیر داشت. به همین دلیل حضور جنگ در «شب‌های بی‌ستاره» کاملاً طبیعی است.

در واقع، جنگ در این رمان بیشتر یک پس‌زمینه اجتماعی است؛ پس‌زمینه‌ای که بر زندگی شخصیت‌ها اثر می‌گذارد و بخشی از واقعیت زمانه آن‌ها را نشان می‌دهد. من تلاش کردم جنگ را نه از زاویه نبرد، بلکه از زاویه تأثیر آن بر زندگی روزمره مردم به‌ویژه نوجوانان روایت کنم.

آیا دغدغه‌های ستاره برای نوجوانان

امروز هم ملموس است؟

به نظر من بسیاری از مسائل مطرح‌شده در داستان همچنان برای نوجوانان آشناست. احساس نیاز به توجه، تجربه بلوغ، تبعیض میان فرزندان، مشکلات ارتباطی در خانواده، تلاش برای پیدا کردن هویت فردی و نیاز به استقلال، موضوعاتی هستند که محدود به یک نسل خاص نمی‌شوند. البته جامعه امروز با جامعه دهه ۶۰ تفاوت‌های

زیادی دارد. دسترسی به فناوری، فضای مجازی و تغییر سبک زندگی باعث شده برخی مسائل شکل تازه‌ای پیدا کنند؛ با این حال، احساسات انسانی تغییر زیادی نداشته‌اند. به همین دلیل فکر می‌کنم ستاره می‌تواند پلی میان نسل‌ها باشد و نوجوان امروز نیز بخشی از خودش را در او پیدا کند.

نوشتن برای نوجوانان سخت است؟

نوشتن برای نوجوانان از پیچیده‌ترین شاخه‌های نویسندگی است. نوجوان نه کاملاً کودک است و نه بزرگسال؛ او در مرحله‌ای قرار دارد که گاهی بسیار پخته و آگاهانه فکر می‌کند و گاهی رفتارش کاملاً احساسی و غیرقابل پیش‌بینی است. اگر نویسنده نتواند این ظرافت‌ها را درک کند، اثرش برای نوجوان باورپذیر نخواهد

بود. به همین دلیل برای نوشتن «شب‌های بی‌ستاره» علاوه بر تجربه‌های شخصی، مطالعات زیادی در حوزه روان‌شناسی نوجوان، مسائل بلوغ، رفتارهای اجتماعی و چالش‌های این دوره سنی انجام دادم.

در سال‌هایی نیز که کتابدار بودم، فرصت داشتم از نزدیک با نوجوانان بسیاری در ارتباط باشم. گفت‌وگو با آنها، شنیدن دغدغه‌ها و مشاهده رفتارهایشان کمک زیادی به من کرد. به نظر من مهم‌ترین وظیفه نویسنده ادبیات نوجوان این است که بدون قضاوت به دنیای مخاطبش نگاه کند. نوجوانان بیش از نصیحت، به همدلی نیاز دارند و اگر احساس کنند نویسنده آنها را درک می‌کند، با داستان ارتباط عمیق‌تری برقرار خواهند کرد.